

آیین هوربaba، بازمانده جشن‌های کهن هیرومبا و سده در میان ایرانیان مسلمان

محمد مشهدی نوش آبادی^۱

(دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۱ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲)

چکیده

شب نیمه ماه رمضان در نوش آباد، آیینی به نام «هوربaba» برگزار می‌شود که در آن کودکان به در منازل اهالی می‌روند و با خواندن اشعاری عامیانه، یکی از فرزندان صاحبخانه را دعا می‌کنند و هدیه می‌گیرند. نمونه این آیین در بسیاری از مناطق و استان‌های ایران از جمله ترکمن‌صحرا، یزد، کرمان، سیستان، بوشهر و خوزستان به‌چشم می‌خورد. همچنین، در میان زرتشتیان شریف‌آباد، جشن سه‌روزه مفصلی به‌نام «هیرومبا» شامل جمع‌آوری هیزم، آتش‌افروزی و خواندن اشعار از سوی کودکان و نوجوانان بر در خانه‌های اهالی و دریافت هدیه خوارکی برگزار می‌شود. هیرومبا در نام، ساختار کلی، اشعار، محتوای تولد و برکت‌بخشی با محوریت کودکان، مشابهت چشمگیری با هوربaba دارد. آتش نیز – که در جشن هیرومبا محوریت دارد – با توجه به مضمون شعری مشترک، گویا در هوربaba نیز معمول بوده است. به‌نظر می‌رسد آیین هوربaba – که هنوز در بسیاری از نقاط ایران برگزار می‌شود – بازمانده جشن کهن هیرومبا و سده است که اگرچه به مرور زمان کوچک و مهجور شده؛ اما در ساختاری اسلامی حفظ شده است. پژوهشگران هیرومبا را همان جشن سده و برگزاری آن را با خورشید و ایزد رپیشوین مربوط و آن را کهن می‌دانند. در این مقاله بر اساس مطالعات میدانی و إسنادی، ضمن معرفی

۱. استادیار ادیان و عرفان دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول).

* mmn5135@Kashanu.ac.ir

آیین هوربaba و نمونه های دیگر آن در ایران، عناصر مشترک آن با آیین هیرومبا زرتشتی و ریشه های اسطوره ای آنها بررسی می شود.

واژه های کلیدی: آیین های زرتشتی، هوربaba، هیرومبا، سده، نوش آباد.

۱. مقدمه

در بسیاری از شهرهای ایران در نیمة ماه رمضان صورت های آیینی مشابهی مشاهده می شود که بر اساس آن کودکان بر در خانه می روند و با خواندن اشعار عامیانه تقاضای پول یا هدیه ای خوراکی می کنند و صاحبخانه نیز آنها را با دادن هدیه روانه خانه های دیگر می کند. معمول ترین نام برای این آیین در منطقه کاشان «هومبaba» و در نوش آباد «هوربaba» است؛ اما در شهرها و مناطق دیگر ایران با نام های متنوعی مواجه می شویم؛ از جمله «گرگیغان» در استان خوزستان، «گری گشو» در استان بوشهر، «الله رمضانی» در یزد، «آلهم ترانی» در ساوه، «رمضونیکه» در سیستان، «یار رمضان» در بین ترکمان استان گلستان و جیرجیرونده در روستای بَرَز نطنز. این آیین بین زرتشتیان شریف آباد نیز جزئی از مراسمی سه روزه است که به «هیرومبا» شهرت دارد.

آیین هوربaba اگرچه در نیمة ماه رمضان و به تقویم اسلامی برگزار می شود؛ اما درون مایه ای ایرانی دارد و مشابه آیین هیرومبا است که صورتی دیگر از جشن سده است و در بین زرتشتیان شریف آباد اردکان برگزار می شود. این دو جشن که عنصر اصلی آن آتش افروزی است، با ایزدی کهن در فرهنگ ایران به نام ریشون در پیوند است که از قضا این ایزد نیز قابل تطبیق با نمونه های مشابه مانند اسطوره ایستر و تموزی در ایران و آسیای غربی است. بدین ترتیب معلوم می شود آیین به نسبت ساده ای که امروزه کم رونق شده است، ردپای چندهزار ساله در فرهنگ ایران دارد.

در این مقاله برآئیم تا ضمن معرفی آیین هوربaba و نمونه های دیگر آن در پهنه فرهنگ ایران زمین، عناصر مشترک آن با آیین هیرومبا زرتشتی را مقایسه و سپس ریشه های اسطوره ای این دو آیین را بررسی کنیم. بدین ترتیب مسئله اصلی مقاله این است که آیین هوربaba چیست و از کجا سرچشمه می گیرد. فرض اولیه ما بر این است که هوربaba آیین برکت بخش ایرانی است و اساس هوربaba همان هیرومبا زرتشتی و یا

صورتی از جشن سده است که به مرور زمان فربهی خود را از دست داده و در تقویم عامیانه اسلامی جا گرفته و ریشه های ایرانی خود را از دست داده است.

۲. پیشینه تحقیق

درباره آیین نیمه ماه رمضان یا هوریبا و صورت های دیگر آن، در برخی تکنگاره های مناطق مختلف ایران اطلاعاتی می توان یافت که از جمله آنها کتاب میراث فرهنگی نظری (اعظم واقعی، ۱۳۸۵: ۳۳، ۲۸۸، ۲۸۹) و کتاب نوش آباد در آیینه تاریخ آثار تاریخی و فرهنگ (مشهدی نوش آبادی، ۱۳۷۸: ۹۲، ۹۳) است؛ اما یک منبع مهم در این باره، کتاب رمضان در فرهنگ مردم است (وکیلیان، ۱۳۷۰: ۲۱۰ - ۲۱۶) که به هوریبا و آیین های مشابه در نقاط مختلف ایران پرداخته است و از این جهت یکی از مهم ترین منابع در این حوزه است. اطلاعات این کتاب مربوط به تحقیقات میدانی است که در دهه ۱۳۴۰ شمسی انجام شده است. همچنین، در این باره گزارش های خبرگزاری های رسمی نیز قابل توجه است؛ زیرا دربردارنده بهروزترین و تازه ترین صورت برگزاری این آیین در نقاط مختلف ایران است.

درباره هیرومبا نیز باید به کتاب از نوروز تا نوروز (نیکنام، ۱۳۸۲: ۱۰۴ - ۱۰۹)، تحقیقات مهرداد قدردان - که بیشتر در پایگاه های اینترنتی زرتشتیان قابل دسترسی است - و همچنین، نوشته های هاشم رضی در کتاب جشن های ایرانیان اشاره کرد. مقاله مرجی بویس با عنوان «رَيْشُونَ، نُورُوز و جَشَن سَدَه» (۱۳۹۳: ۳۰ - ۱۷) نیز در ارتباط با هیرومبا و اسطوره رَيْشُونَ، مهم و راهگشاست. همچنین، درباره جشن سده در آثار الباقيه و التفحیم بیرونی و درباره رَيْشُونَ و آتش افروزی های مرتبط با آن در بندهش اطلاعاتی به دست می آید.

۳. آیین های مشابه در دیگر نقاط جهان

الیاده (۱۳۷۲: ۳۰۰) در بحث از آیین های مربوط به رستنی ها و آغاز سال نو به جشنی مردمی در اروپا اشاره می کند که در آن پسران جوان به جنگل می روند و درخت جوانی را می برنند، شاخ و برگ هایش را می زنند و تزیینش می کنند و سپس به روستا

بازمی گردند و با خواندن آوازی بدین مضمون که تابستان را به همراه آورده‌اند، خانه‌به‌خانه می‌روند و خواهان هدیه می‌شوند. همچنین، وی ضمن اشاره به شمار زیادی از آیین‌های مربوط به حاصلخیزی و رفتن زمستان و آمدن بهار که در بسیاری از آن‌ها سوزاندن درخت به معنای مرگ سال گذشته و تجدید حیات است، می‌افزاید: همه‌این تشریفات و مراسم با درخواست هدیه و عطیه پایان می‌گیرند. دسته‌هایی که با شاخ گل و یا حمل درخت به صورت دسته راه می‌افتد، نماینده مظاهر و صورت‌های حیات نباتی محسوب می‌شوند و از خانه‌ها عطا‌یابی مانند پول و هدایایی همچون تخم مرغ، میوه‌های خشک و شیرینی‌ها ستی می‌گیرند. بر حسب معمول کسانی که از دادن هدیه امتناع ورزند، به زبان شعر یا نثر نفرین می‌شوند که محصول خوبی برندارند، بستانشان میوه ندهد و موستانشان بخشکد؛ چون مردم باید در این ایام هزینه کنند تا مایه حیاتی کیهان، یعنی سبزه، رمه و محصول بهنحوی جادویی ارتقا یابد. درواقع، دسته پیش از همه بهار را می‌بیند و آن را بشارت می‌دهد و محرك دیگران می‌شود (همان، ۲۹۶).

همچنین، شباهت‌هایی نیز بین آیین هوم‌بابا و شیوه‌های ستی برگزاری جشن هالوین وجود دارد. هالوین یکی از جشن‌های ستی مغرب‌زمین است که مراسم آن در شب ۳۱ اکتبر (نهم آبان) برگزار می‌شود. بسیاری از افراد در این شب لباس‌های عجیب و غیرمرسوم می‌پوشند و کودکان برای جمع‌آوری نبات و آجیل به در خانه دیگران می‌روند. جشن هالوین بیشتر در کشورهای انگلستان، ایرلند، اسکاتلند، امریکا و کانادا مرسوم است. این جشن را مهاجران ایرلندی و اسکاتلندی در سده نوزدهم با خود به قاره امریکا آورده‌اند.

فریزر (۱۳۸۶: ۷۴۵ - ۷۴۹) ضمن اشاره به برگزاری جشن هالوین در ۳۱ اکتبر، آن را جشن سال نو می‌داند که سلت‌ها سال را با آن آغاز می‌کردن. از لوازم این جشن، آتش‌افروزی کودکان و صورت‌های گوناگون فال‌گیری بهویژه برای بخت‌گشایی دختران بوده است. همچنین، این جشن با بازگشت ارواح مردگان مصادف است، بدین منظور اشعاری را در کوی و برزن می‌خوانند. همچنین، آوازه‌خوانانی که دوره می‌افتادند، ترانه‌های خود را با این عبارت آغاز می‌کردن: «امشب شب سال نوست، هاگونا!».

چنان‌که پیداست نقش کودکان در این جشن، اخبار سال نو، رسیدن شب موعود، همچنین، آتش‌افروزی از وجود مشترک این جشن با انواع مشابه ایرانی است.

۴. نمونه‌ای عینی؛ هوریبا بایی در نوش آباد

نوش آباد شهری تاریخی در منطقه کاشان است. هوریبا بایی آیینی است که از سوی کودکان نوش آبادی در شب‌های سیزدهم، چهاردهم و بهویژه پانزدهم ماه رمضان انجام می‌شود. در این شب بچه‌ها در دسته‌های چندنفری به در منازل اهالی می‌روند و سرdestه یکی از فرزندان خانه را نام می‌برد و برایش اشعار عامیانه نیایش‌گونه‌ای می‌خواند و در پایان هر مصراج بقیه دسته این ندا را با «هوریبا» پاسخ می‌دهند:

امشب شب نیمه است که ما مهمانیم
به در خانه ارباب جهان حیرانیم

(نام یکی از بچه‌های صاحب خانه) شماییم نارنج دست شاهیم
پیش پیش پیش نچایی
از خُنَّه (خانه) در نیایی
مردم شما را می‌بینند
ده تمنی‌های (تومان) درازی تو
پش قبای نظرنییه
یکی شا در آر و خرد کن
نذر بچه‌های در خُنَّه کن
تابچه‌هاراضی شوند

گاهی نیز به جای دو بیت آخر ایات بعدی جایگزین می‌شود:

تنیاکو را گل نم کن
آتش به سرش کم کن
تماماً بکشیم دودی
آواره ش ویم زودی

(مشهدی نوش آبادی، ۱۳۷۸: ۹۲، ۹۳)

در گذشته معمولاً بچه‌های هر محل در یک گروه قرار می‌گرفتند و به خانه اعیان نوش آباد می‌رفتند و خوراکی‌هایی مثل آجیل و خشکبار دریافت می‌کردند؛ اما امروزه تعداد دسته‌ها زیاد است و به خانه همه اهالی می‌روند. دوره سنی هوریبا بایی زیاد نیست. سن که از ده سال گذشت، دیگر بچه‌ها به هوریبا بایی نمی‌روند، شاید به دلیل اینکه از گرفتن پول خجالت می‌کشند و یا دریافت مبلغ ناچیز حاصل از هوریبا بایی برای آن‌ها مقرن به صرفه نیست.

امروزه که شهر بزرگ‌تر شده است، بچه‌ها در محدوده کوچه‌های اطراف خود در دسته‌های سه یا چهارنفره به هوربایی می‌پردازند. با وجود اینکه هوربایی مخصوص پسران است، اما در سال‌های اخیر دخترها هم برای خود دسته هوربایی تشکیل می‌دهند و به در خانه‌ها می‌روند. خانواده‌ها هر کدام پانصد تومان تا هزار تومان به هر دسته می‌دهند. هر گروه در پایان هوربایی حدود چند هزار تومان به دست می‌آورد، اگرچه این مبلغ ناچیز است؛ اما برای کودکان نوعی کاسبی همراه با هیجان است. همان چیزی که دلیل ماندگاری این آیین است. درواقع، کودکانی که زحمت هوربایی را بر خود هموار می‌کنند، به هدایه نقدي ناچیزی که از خانه‌ها دریافت می‌کنند دل خوش کرده‌اند و الا احتمالاً از این آیین لطیف چیزی بر جای نمی‌ماند.

این آیین با اشعاری کم‌ویش مشابه، در دیگر شهرها و آبادی‌های منطقه فرهنگی کاشان مانند شهر آران و بیدگل (هاشمی‌تبار، ۱۳۷۵: ۵۸؛ نیازی، ۱۳۸۷: ۷۴، ۷۵)، فین (اخوان، ۱۳۷۳: ۱۵۹)، لتحر (باقرزاده، ۱۳۹۰: ۲۲۲) و جوشقان قالی (زرگری، ۱۳۷۴: ۱۶۵) از توابع کاشان و ایانه و بَرَز از توابع نطنز (اعظم واقفی، ۱۳۸۵: ۲۸۸، ۲۸۹، ۳۳) نیز انجام می‌شده است؛ اما امروزه رونق نوش‌آباد را ندارد.

به قصد اسلامی کردن اشعار هوربایی، در چند دهه گذشته بهندرت سوره شمس نیز خوانده می‌شد، بدین ترتیب که سردسته آیاتی از سوره شمس را می‌خواند و در پایان هر آیه، بقیه اعضای گروه حرف پایانی را با صدای بلند تکرار می‌کردند:

سرگروه:

«والشمس و ضحیها»

اعضای گروه:

«ها...ها...ها!»

اما بهزودی این سبک خواندن از یادها رفت.

۵. نمونه‌هایی از آیین‌های مشابه در ایران

گسترۀ برپایی آیین نیمه ماه رمضان در ایران وسیع است و از شمال شرق تا جنوب غرب ایران را دربر می‌گیرد و شامل برخی از کشورهای حاشیۀ خلیج فارس و به‌ویژه بحرین هم می‌شود (احمدی، ۱۳۹۴).

این آیین بیشتر در نیمه ماه رمضان و یا در سه شب سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم پس از افطار برگزار می‌شود. در یزد و شهرهای خراسان جنوبی در شب اول ماه رمضان، در ساوه از شب بیست و هفتم تا آخر ماه و در روستای بَرَزْ نظر در شب دهم رمضان برگزار می‌شود.

برخی بهدلیل تلاقی این آیین با سال‌روز تولد امام حسن^(ع)، هوربابایی را به آن مربوط می‌دانند؛ اما این امر بعید بهنظر می‌رسد؛ زیرا این آیین در بسیاری از مناطق در سه شب انجام می‌شود و یا در شب‌هایی غیر از نیمه ماه. از طرفی این آیین در مناطق سنی نشین - که آیین تولد ائمه شیعه را برگزار نمی‌کنند - نیز انجام می‌شود. معمولاً کودکان، برگزار کننده اصلی هستند؛ اما در برخی نقاط، مردان (نیازی، ۱۳۸۷: ۷۴، ۷۵) و بهطور کلی بزرگترها نیز مشارکت دارند. تعداد افراد گروه‌ها هم متغیر است. دو نفر نیز می‌توانند یک گروه تشکیل دهند؛ اما گروه‌ها معمولاً تعدادشان بیشتر از سه نفر است. به لحاظ جنسیتی این آیین بیشتر پسرانه است؛ اما در خیلی از مناطق دختران نیز در آن شرکت دارند.

خانه‌های میزبان کودکان معمولاً ویژگی خاصی ندارند؛ اما در بوشهر بیشتر به سراغ خانه‌هایی می‌روند که بچه کمتر از یک سال دارند (وکیلیان، ۱۳۷۰: ۲۱۵، ۲۱۶) و در ساوه بیشتر به در خانه‌های جوانانی می‌روند که تازه عروسی کرده‌اند و یا نامزد دارند (همان، ۲۱۰).

هدايا در گذشته بیشتر آجیل بود؛ اما امروزه معمولاً پول نقد به بچه‌ها می‌دهند. در بوشهر هم مردم با تنقلات، آجیل و خشکبار، گندم برشه شده (در اصطلاح محلی: دنگ) و... از کودکان پذیرایی می‌کردند. در الله‌رمضونی یزد صاحب‌خانه‌ها هدایایی از قبیل پول و یا خوردنی‌هایی مثل گردو، کشمش، خرما، بادام، قیسی، هلو و زردآلو خشکه به بچه‌ها می‌دادند. معمولاً در مناطقی که آجیل و خشکبار و شیرینی هدیه می‌دهند، دسته با خود کیسه‌ای دارد که هدايا را در آن می‌ریزند.

۱. یارمیان ترکمن صحراء

«یارمیان آیدیم لاریم» یا «یارمیان» در حقیقت، واگویه‌های عامیانه‌ای است که به مناسبت ماه مبارک رمضان از سوی گروههایی در برخی مناطق ترکمن‌نشین استان گلستان در نیمه ماه رمضان (در شب چهاردهم) اجرا می‌شود.

جوانان، نوجوانان و کودکان ترکمن دسته‌هایی را تشکیل می‌دهند و به در خانه‌ها می‌روند و تجمع می‌کنند، سرخوان ابیاتی دعاگونه برای اهل خانه و فضیلت ماه رمضان به زبان ترکمنی می‌خوانند و پس از پایان هر بند، دیگر اعضا گروه، یک‌صدا «آلاؤ» (که به نظر می‌رسد مخفف عبارت «الله‌هو» باشد) سر می‌دهند. ترجمۀ برخی از ابیات این است:

«در بهشت درختی دیدیم پریار و پرشم
در این روستا خانه‌ای دیدیم اجاقش روشن
در آن خانه، زنی دیدیم سفیدروی و طفلی قنداق‌پیچ به بغل
خدایمان به شما پسری با کمربندي زرین عطا نماید
به حق رسول و امت رسول، یارمیان!»

(نوری کجوریان، ۱۳۸۹؛ نیز نک: نیازی، ۱۳۹۷)

۲. الله‌رمضونی

الله‌رمضونی در بیشتر شهرها و آبادی‌های یزد، مشهد، بیرجند، بجنورد، تربت‌جام و بعضی از شهرهای استان فارس و گرگان برگزار می‌شود. در شب اول ماه رمضان، جوانان و کودکان بعد از افطار در دسته‌های پنج تا ده‌نفری جمع می‌شوند و به در خانه‌های اهالی می‌روند و اشعار الله‌رمضونی می‌خوانند. صاحبخانه‌ها هدایایی از قبیل پول و یا خوردنی‌هایی مثل گردوه، کشمش، خرما، بادام، قیسی، هلو و زردآلو خشکه به آنها می‌دهند که در پایان، بین خود تقسیم می‌کنند (وکیلیان، ۱۳۷۰: ۲۱۱).

در فراشاه یزد، ابتدا سرگروه در مورد امام حسین^(ع) و سپس ماه رمضان اشعاری می‌خواند و بقیه جواب می‌دهند: «حق یا محمد»

چوب وردشته که تو روزه بدار»

«رمضو او مده با سی و سه سوار

سپس خطاب به صاحبخانه می‌خواند:

«آقای کدخدا در بالاخونه/ کتاب لیلی و مجنون می‌خونه/ ای سرا از کنه رو ورباده^۳/ دو پسر دارن که نو دوماده/ ای سرا از کنه خش خش می‌آیه/ طبق نقره و کشمکش می‌آیه».

بعد از دریافت هدیه، گروه نیز در اشعاری دعا می‌کنند که صاحبخانه به مکه و کربلا برود (همان، ۲۱۲). در الله‌رمضونی تربت‌جام هم اشعاری شبیه به اشعار فراشاه یزد می‌خوانند (همان، ۲۱۳، ۲۱۴).

۵ - ۳. هوجان‌جان در بم و رفسنجان

در بم، رفسنجان و آبادی‌های نوق، کشکوئیه این مراسم به‌نام «علی جان جانی» نام دارد به اعتبار پاسخی که بچه‌ها در جواب سردسته می‌دهند:

«مشهدی! کربلایی! حاجی! یاری نما/ بچه‌های محله را میهمانی نما/ ... دو پسر داری چو ڈر حیدری/ ڈرها در گوش مانند پری/ ما که می‌گردیم به دور فلک/ ماتمی داریم به یک پول لکو^۴».

اگر صاحبخانه پول یا هدیه‌ای به بچه‌ها داد، او را دعا می‌کنند و گرنه او را با اشعاری مسخره می‌کنند. در مقابل، صاحبخانه نیز سلط آبی بر سر آن‌ها می‌ریزد و بچه‌ها به در خانه‌ای دیگر می‌روند. در پایان، خوراکی‌ها تقسیم می‌شود (همان، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۱۵).

۵ - ۴. رمضانیکه سیستان

در «رمضانیکه سیستان»، گروه‌های شش تا ده‌نفره‌ای از شب نیمة ماه رمضان تا شب ضربت خوردن امیرالمؤمنین علی^۵، در ساعات اولیه شب، بر در منازل می‌روند و با هم خوانی و همنوایی، اشعاری در وصف ماه رمضان می‌خوانند؛ از آن جمله:

«رمضو آمده می‌مانش کنه/ گوو و گوساله ره قربانش کنه/ رمضو الله، الله رمضو/ رمضو الله خوشنوم خدا^۶. صاحبخانه نیز در حد وسع و توان خود گندم، حبوبات، پول، میوه و برخی خانواده‌ها که توان مالی ندارند، کاسه‌ای آب به گروه هدیه می‌کنند (راشکی قلعه نو، ۱۳۹۴).

۵ - ۵. گری گشو در استان بوشهر

در بندرهای بوشهر، گناوه، دیر، کنگان و شهرستان برازجان در شب نیمه ماه رمضان آیین «گری گشو» (گره گشا) برگزار می شود که در آن گروههایی کودکان بیشتر به سراغ خانه هایی که بچه کمتر از یک سال دارند، می روند (وکیلیان، ۱۳۷۰: ۲۱۵، ۲۱۶) و با خواندن اشعاری دعاگوئه به زبان عربی و فارسی، طلب هدیه می کنند:

«گرگشو، دوکله بشو، سی فردشو / اعطونا من مالکم / اعطونا الله يعطيكم^۶»

(احمدی، ۱۳۹۴)

۵ - ۶. گرگیان در استان خوزستان

آیین گرگیان همه ساله به مناسب نیمه ماه رمضان در بسیاری از نقاط خوزستان برگزار می شد؛ اما امروزه از رونق آن کم شده است. در گرگیان کودکان و نوجوانان بعد از اذان مغرب به کوچه ها می روند و هر کدام دو سنگ در دست می گیرند و به هم می کوبند و در خانه ها را می زنند و شعرهایی می خوانند:

«قرقيعان و قرقيعان بين اقصير و رمضان / انطونه حق الله يرضي عليكم الله / عطونا الله يعديكم بيت مكه يوديكم^۷.»

همچنین، در شهرهای دیگر این اشعار سروده می شود: «ما جينه يا ما جينه حل الکیس و انطينا^۸.»

اگر اهالی خانه در پشت بام باشند، کودکان خطاب به آنها می گویند: «یا اهل سطوح تنطونه لو نروح^۹.» صاحبخانه ها نیز شیرینی و شکلات های محلی در کیسه های کودکان می گذارند؛ اما مشهور ترین شعر این است: «گرگیان و گرگیان، الله يعطيكم رضuan^{۱۰}.»

۶. هیروomba

۶ - ۱. توصیف آیین

همه ساله زرتشتیان شریف آباد در پسین روز آرد از ماه فروردین ماه به پیر هریشت، یکی از زیارتگاههای زرتشتیان در اردکان یزد می روند. سپیدهدم روز بعد، یعنی روز اشتادايزد، از خواب بر می خیزند، نیایش می کنند، سپس به بیابان های پیرامون پیر هریشت می روند و بوته های هیزم - که «غیزل» نامیده می شد - را گردآوری می کنند، جوان ترها

هیزم‌ها را می‌کنند و بزرگ‌ترها آن را روی هم می‌گذارند و محکم می‌بندند و بر پشت الاغ‌ها^{۱۱} می‌گذارند.^{۱۲}

در خیله‌های^{۱۳} اطراف زیارتگاه، همسران کسانی که به بیابان رفته‌اند، چشم‌به‌راه می‌مانندند؛ سیرگ^{۱۴}، پشمک و ناشتا^{۱۵} آماده می‌کردند تا از آنان پذیرایی کنند. همچنین، شماری از مردهای خانواده نیز همراه با آنان در خیله‌ها می‌مانند تا خوراک نیم‌روز را، که آبگوشت است، بار بگذارند.

خیله‌جوانان خیله «غیزلی‌ها» نامیده می‌شود. پس از خوردن ناهار، افراد این خیله‌ها، جوان‌هایی که برای بار نخست به گروه غیزلی‌ها می‌پیوندند و همچنین، تازه‌دامادها و کسانی که تازه بچه‌دار شده‌اند، را چوب می‌زنند، خانواده آن‌ها برای جلوگیری از چوب زدن، باید با شربت از دیگران پذیرایی کنند. سپس همه به سمت ده راهی می‌شوند و بار هیزم را در محل آتش‌افروزی تلنبار می‌کنند.

نوجوانانی که به پیره‌ریشت نرفته بودند، به خانه‌های شریف‌آباد می‌روند و با خواندن این شعر برای برافروختن آتش هیرومبا تقاضای چوب می‌کنند:

شاخ، شاخ هرممنی (۲)

هر که شاخی بدهد خدا مرادش بدهد

هر که شاخی ندهد خدا مرادش ندهد

چوب‌ها را که از خانه‌ها می‌گیرند، در شال مخصوصی می‌گذارند و به هیزم‌ها اضافه می‌کنند. هنگام غروب مردم به کنار هیزم‌های انباشته می‌روند. ده موبد و یا یکی از سال‌خوردگان، که صدای رسایی دارد، نام درگذشتگان آبادی را به زبان می‌آورد و طلب آمرزش می‌کند (نیکنام، ۱۳۸۲: ۱۰۹ - ۱۰۴). در دو سوی «ده موبد» و در دو نیم‌دایره بر گرد آتش، صفائی از مردان جوان و پسران - در حالی که دستانشان بر شانه‌های یکدیگر است - ایستاده‌اند. آنگاه که ده موبد پس از هر نام صلا بر می‌آورد که «خدا بیامرزدش»! یکی از این صفات بانگ «هیرومبا»ی بلندی بر می‌آورد و همزمان همچون موجی فروشکسته بر آتش تعظیم می‌کند. در نام دیگر بانگ «هیرومبا» به هم‌صدایی از سوی صفت روبرو بر می‌خیزد و این روند برای نامی پس از نام دیگر

ادame می‌آید. ذکر نام گذشتگان، شعله و زبانه آتش عظیم و بانگ بلند به همراه تعظیم، «هیرومبا» را عمیقاً تأثیرگذار می‌کند (بویس، ۱۳۹۳: ۲۹، ۳۰).

از فردای آتش‌افروزی به مدت سه روز جشن است. بعد از غروب آفتاب جوانان به درب همه خانه‌های اهالی شریف‌آباد می‌روند. یکی از آن‌ها نام در گذشتگان آن خانه را می‌گوید و بقیه هیرومبا می‌گویند. سپس برای صاحبخانه اشعاری دعاگونه خوانده می‌شود که به گویش امروزین بهدینی است:

«مسیر، مسیر واژ بُو/ اسب تازی کمر زرین بُو/ گنم انبار شما جی و ماجی/ گنم و گمه، روزن و جو».^{۱۶}

کدبانوی خانه بشقابی از آجیل شامل نخودچی و کشمش، پسته، مغز بادام و مانند آن را در چادرشی - که یکی از افراد به کمربسته - می‌ریزد و گروه راهی خانه‌ای دیگر می‌شود. پس از این بیشتر مردم به خانه کسی که چوب زده‌اند می‌روند و دوباره آن را چوب می‌زنند و خانواده آن جوان برای جلوگیری از این کار دوباره به همه شربت می‌دهد و جشن می‌گیرند. در بعدازظهر روز سوم، آجیل‌ها بین گروه تقسیم می‌شود. در غروب روز سوم دوباره به کنار نیایشگاه می‌روند و به همان ترتیب سه شب قبل، نام در گذشتگان را می‌خوانند و هیرومبا می‌گویند.

اهالی مزرعه کلانتر نیز پیش‌تر این مراسم را انجام می‌داده‌اند، این مراسم را با اندکی تفاوت در روستای الله‌آباد و نرسی‌آباد با نام «هیبیدوگ» و در روستای خرمشاه با نام «شاخ شاخ دُرون (دُربَند)» برگزار می‌کرده‌اند (نیکنام، ۱۳۸۲: ۱۰۹).

۶ - ۲. هیرومبا و جشن سده

بنا بر نظر محققان، آیین هیرومبا همان جشن سده است. مری بویس جشن سده و هیرومبا را در واقع، جشن پاسداشت ریشیون می‌داند. وی بر آن است که دو جشن سده داریم که دومین آن همین هیرومباست:

جشن آتش زرتشتی دیگری نیز وجود دارد که تا به حال مغفول مانده است. یزد و روستاهای آن «سده» را در روز آبان از ماه بهمن برگزار نمی‌کنند. به عوض، آنان در روز اشتاد از ماه آذر جشن بزرگ آتشی در فضای

آیین هوریابا، بازمانده جشن‌های کهن هیرومبا و سده در میان... محمد مشهدی نوش‌آبادی

باز برگزار می‌کنند که باید آن را نظیر جشن سده^۵ کرمانی دانست (بویس، ۱۳۹۳، ۱۷).^۶

رضی و همکاران نیز هیرومبا را که اینک بهار ۲۴ تا ۲۶ فروردین برگزار می‌کنند، همان جشن سده می‌دانند (رضی، ۱۳۸۰؛ مزداپور، ۱۳۸۴؛ ۶۸۴) که تاریخ اصلی آن روز استاد از ماه بهمن قدیم تاریخ اصلی برگزاری آن بوده است و هیرومبا را که درواقع، آتش‌افروزی در زمستان است (همان، ۱۷۱).

۶ - ۳. مبانی اسطوره‌شناختی جشن سده و هیرومبا

قدیمترین مأخذ در اشاره به جشن سده، آثار ابوریحان بیرونی است. وی در آثار الباقيه آورده است:

روز دهم بهمن روز آبان عید است که آن را سده گویند. دسته‌ای هم گفته‌اند در این روز جهنم از زمستان به‌دنیا بیرون می‌آید. از این رو آتش‌افروزند تا شر آن دفع گردد و تبخیر می‌کنند که مضرات آن برطرف کنند تا اینکه در خانه ملوک در این شب رسم شد که آتش بیفروزند (بیرونی، ۱۳۸۹؛ ۳۵۰، ۳۵۱).

همچنین، در التفہیم نیز به سده اشاره دارد: «در آبان روز است از بهمن‌ماه و آن روز دهم بود و اندر شبش که میان‌روز دهم است و میان روز یازدهم آتش‌ها زند بگوز [جوز] و بادام و گرد برگرد آن شراب خورند و لهو شادی کنند» (همان، ۱۳۵۳؛ ۲۵۷). درباره منطق آیینی جشن سده و هیرومبا پژوهشگران به‌طور عمده دو نظر دارند؛ برخی آن را با ایزد خورشید مربوط می‌دانند و برخی با ایزد رپیتوین.

۶ - ۴. جشن سده و رپیتوین

بویس جشن هیرومبا را به نقش ایزد رپیتوین مربوط می‌داند. رپیتوین (رپیتوین، ربیهوین) «ایزد موکل بر زمان آرمانی» است و جایگاه مهمی در متون و آیین‌های زرتشتی دارد. پیوند ایزد رپیتوین با آتش، نور و گرما - که از مهم‌ترین رموز دین زرتشتی است - بهروشی در خویشکاری‌های این ایزد در هر دو جهان، گیتی و مینو، تجلی یافته است (گشتاسب، ۱۳۹۰؛ ۳۲). در بندهش بیش از دیگر منابع زرتشتی به

رپیشوین اشاره شده است. بر اساس این متن رپیشوین در اصل، گاه نیم روز از وقت‌های پنج‌گاه روزانه و شبانه است و همچنین، نام ایزد نیم‌روز. پیش از گاه رپیشوین، صبحگاه و پس از آن عصرگاه، شامگاه و نیمه شب است؛ اما اول آبان‌ماه با پایان تابستان زرتشتی که زمستان زور می‌گیرد، رپیشوین به جهان زیرین می‌رود و گاه نیم روز از اوقات شبانه‌روز حذف و روز چهارگاه می‌شود و به زیرزمین می‌رود و گرما را به چشم‌ها می‌فرستد تا ریشه درختان را گرم کند:

بدین روی، ماه دی، روز آذر، همه‌جا آتش افروزنده و نشان کنند که زمستان آمد.

بدان پنج‌ماه (که) آب چشم‌هه گرم است؛ زیرا رپیشوین آنجا را (به) گرمی و خویدی دارد. گاه رپیشوین را نستایند. چون ماه فروردین، روز هرمzed شود، زمستان را نیرو و پادشاهی کاهد، تابستان از بنکده خویش درآید، نیرو و پادشاهی پذیرد، رپیشوین از زیرزمین به فراز زمین آید و بر درختان را رساند. بدین روی در تابستان آب چشم‌هه سرد است؛ زیرا رپیشوین آنجا نیست. در آن هفت ماه که گاه رپیشوین را بستایند، تابستان به همه زمین رسد (فرنیغ دادگی، ۱۳۷۸: ۱۰۶).

تا پیش (از آن) که اهریمن آمد، همیشه نیم روز بود که رپیشوین است. او رمزد با (یاری) امشاسب‌دان، به رپیشوین (گاه)، مینوی یزشن را فراهم ساخت (همان، ۵۰). در پایان هستی و نابودی اهریمن نیز سوشیانت در نیم روز ظاهر می‌شود و هنگامی که آخرین یزشن در گاه رپیشوین سروده شود، رستاخیز کامل خواهد شد (زاد سپریم، ۱۳۶۶: ۱۰۲ – ۱۰۴؛ مقایسه شود با گشتاسب، ۱۳۹۰: ۲۷). در متون زرتشتی بر نیایش رپیشوین تأکید و برگزار نکردن نیایش رپیشوین را گناهی بزرگ قلمداد می‌کنند و آن را مستوجب مجازات در پل چنود می‌دانند (روایت پهلوی، ۱۳۶۷: ۲۰؛ صد در نظر و صد در بند Hess، ۱۹۰۹: بخش ششم / ۶؛ زاد سپریم، ۱۳۶۶: ۶۶).

بویس بر آن است که روز اشتاد از ماه آذر، باز هم اگرچه خود مشخصاً مختص به آتش نیست، دقیقاً صدمین روز پیش از روز او رمزد از ماه فروردین و بازگشت رپیشوین است. بنابراین، محتمل است که دست‌کم تا قرون‌وسطی و به احتمال زیاد از گذشته‌های دورتر، دو جشن «سده» وجود داشته است که یکی در ماه آذر و ۱۰۰ روز پیش از رپیشوین برپایی می‌شده است و دیگری در ماه بهمن

و ۱۰۰ روز پس از رپیشوین. استقلال هر دوی این جشن‌ها از روز - ماهها با این واقعیت آشکار می‌شود که آن جشنی که در آذرماه قرار دارد، به ادغام با جشن آتش آذر روز در ۱۷ روز پیش تر کشیده نشده و بر هویت واصل‌حش پای فشرده است. بویس قدمت جشن سده و آین هیرومبا را به پیش از عصر ساسانی و قبل از پذیرش تقویم ماهها و روزها برمی‌گرداند؛ زیرا مراسم دینی این جشن به منزله یکی از ارکان دین در «نیرنگ ستان» و «هوسپارم نسک» مفقود از اوستا فهرست شده بوده‌اند، به علاوه اینکه، زاد سپریم که نماد پردازی رستاخیز جسمانی را در بازگشت بهار تفسیر می‌کند، بسیاری از مواد خود را از اوستا وام می‌گیرد. لذا، این جشن از نظر وی به زردشتی‌گری متقدم تعلق دارد (بویس، ۱۳۹۳: ۳۰).

۶ - ۵. جشن سده و خورشید

مهرداد بهار (۱۳۷۶: ۲۴۱ - ۲۳۹) ضمن ارائه بحثی زبان‌شناختی درباره واژه سده، این واژه را به معنای ظهور، آشکارایی و پیدایی می‌داند و بر آن است که این جشن چهل روز بعد از یلدا و جشن چهلم تولد خورشید است که دهم دی هم به منزله دهمین روز تولد آتش‌افروزی می‌شود. وی جشن سده را دارای بُنی زرتشتی نمی‌داند و با وجود قدیمی خواندن جشن سده بر آن است که این جشن از دوره اردشیر باکان در اعداد اعیاد رسمی درآمده و در اعصار کهن زرتشتی رسمیتی نداشته است. وی این جشن را جشنی قدیمی از اعیاد بومی غیر‌آرایی می‌داند که بعدها وارد دین زرتشت شده است. به‌نظر می‌رسد که جمع میان دیدگاه بویس و بهار ممکن است؛ زیرا هر دو به قدمت این آین حداقل تا زردشتی‌گری متقدم اعتقاد دارند. همچنین، مشابهت زیادی بین رپیشوین به منزله ایزدگاه نیم‌روز و خورشید یا آفتاب وجود دارد. بویس هم بر این نکته تأکید دارد و افروختن آتش در فضای باز و خارج از آتشکده و در تاریکی شب را که در سده و هیرومبا انجام می‌شود، در پیوند با خویش‌کاری مهر در مقام خدای خورشید و برای پشتیبانی وی دربرد بر ضد سرمای زمستان و تاریکی می‌داند (بویس، ۱۳۹۳: ۳۰).

۷-۱. ساختار و شکل و زمان برگزاری دو آیین

اساساً و به طور کلی این آیین‌ها شکل و ساختار یکسان دارند و در هر دو، کودکان یا نوجوانان شامگاهان به صورت گروهی و دسته‌جمعی به در خانه اهالی شهر یا روستا می‌روند و سردهسته اشعار دعاگونه‌ای برای صاحبخانه یا برای یکی از واستگان آن خانه می‌خوانند و بقیه کودکان با ندایی آن را تأیید می‌کنند و در پایان، صاحبخانه به آن‌ها هدیه‌ای می‌دهد. اگرچه آیین هیرومبا اجزا و عناصر متنوع‌تری دارد؛ اما این وجود مشابهت کاملاً به چشم می‌خورد.

زمان برگزاری مراسم نیز بعد از غروب آفتاب و شب‌هنگام است. همان‌گونه که بیرونی و دیگر منابع تاریخی اشاره می‌کنند و چنان‌که امروز هم معمول است، جشن سده و هیرومبا در شب‌هنگام و پس از غروب آفتاب انجام می‌شود. درباره منطق این کار هم بوسیله معتقد است، برای آن است تا یاری‌گر خورشید باشند و در هنگامی که نور آن کم شده است، با افروختن آتش وی را یاری کنند. برگزاری آیین هوریبا و انواع مشابه آن نیز در شب نیمه ماه رمضان و پس از افول خورشید و شب‌هنگام انجام می‌شود.

۷-۲. مشابهت در نام

اگرچه برخی هیرومبا را به معنای یادکرد گذشتگان می‌دانند؛ اما معنای دقیق آن واژه نامعلوم است (بویس، ۱۳۹۳: ۲۹). درباره واژه هوریبای نوش‌آباد که در دیگر نقاط منطقه کاشان «هومبابا» تلفظ می‌شود نیز کم‌ویش چنین ابهامی وجود دارد؛ اما با توجه به مشابهت‌های واژگانی و کاربرد یکسان آن در این دو آیین، می‌توان اصل این دو واژه را یکی دانست. در حوزه زرتشتی، نام این آیین هیرومباست، به اعتبار واژه‌ای که از سوی گروه در جواب طلب آمرزش هیربد گفته می‌شود، همچنان که نام هوریبا یا هومبابا نیز برگرفته از پاسخی است که کودکان در ندای سرگروه می‌دهند. درواقع، هر دو نام‌گذاری برگرفته از پاسخ هماهنگ و بلند گروه، به دعای سرگروه است.

نکته دیگر اینکه همچنان که در حوزه مسلمانی، آیین هومبابا با نام‌های دیگری چون «المترانی»، «گرگیعان»، «الله‌رمضونی» و ... برگزار می‌شود، در حوزه زرتشتی نیز این آیین هیرومبا به نام‌هایی چون «هیبیدوگ» و «شاخ شاخ ڈرون (ڈربند)» اجرا می‌شود.

۷ - ۳. استفاده از شعر مشترک

یکی از مشابهت‌های مهم بین آیین هیرومبا و هوریبا، در یکی از اشعار اصلی این دو آیین نهفته است. زرتشتیان به مناسبت اینکه باید برای آتش از صحراء و از خانه‌ها هیزم جمع‌آوری کنند، شعری مناسب با آن می‌خوانند: «شاخ، شاخ هرمنی / (ارمنی یا ڈرون یا ڈربند)، هر کی شاخی بدهد / خدا مرادش بدهد، هر کی شاخی ندهد / خدا مرادش ندهد» (نیکنام، ۱۳۸۲: ۹۷).

جالب است که تلفظ دقیق این واژه و همین‌طور پاره دوم این چامه نزد مسلمانان در جشن هوریبا حفظ شده است. چنان‌که سال‌ها قبل در کاشان بین اشعار هومبابایی این شعر از سوی سردسته این‌گونه خوانده می‌شده است: «این شاخ شاخ درمنه / کنده به شاخ درمنه، هر که در این را بده / علی نجاتش بده» (وکیلیان، ۱۳۷۰: ۲۰۴). در شعر زرتشتیان واژه «ارمنی» به جای درمنه آمده است؛ اما درست آن باید «درمنه» باشد که نام گیاه خودرو و خوشبویی است که در اطراف شریف‌آباد و دیگر مناطق کویر مرکزی از جمله منطقه کاشان به سهولت یافت می‌شود. اینکه تلفظ دقیق این گیاه خوشبو در نزد زرتشتیان – که صورت اصلی آیین را برگزار می‌کنند – فراموش شده؛ اما در میان مسلمانان حفظ شده است، قرینه‌ای دیگر است بر دیرینگی آیین هوریبا. تفاوت جالب دیگری که حاصل گرایش‌های اسلامی و شیعی در شعر هوریباست، استفاده از عبارت «علی مرادش بدهد!» به جای «خدا مرادش بدهد!» است. تلاشی در فرهنگ عامه شیعه که اهتمام می‌شود نام علی از دیگر نام‌های مقدس، برجسته‌تر باشد.

۷ - ۴. محتوای آیینی تولد و فراوانی محصول

وجه اصلی آیین‌های هیرومبا و هوریبا توجه به تولیدمثل و تولد نوزاد است. تولد نوزاد انسان مهم‌ترین وجه برکت‌بخشی است هم بهجهت اهمیت کاربردی و هم بهجهت

نمادین. این امر با توجه به ازدواج و نوزاد تازه متولدشده در این دو آیین تجلی می‌یابد. در دین زرتشتی خانواده و تولیدمثل بالارزش‌ترین کار است. در آیین هیرومبا تازه‌دامادها و کسانی که صاحب نوزاد شده‌اند، جایگاهی ویژه‌ای دارند. داماد به همراه عروس از بیابان هیزم جمع می‌کند و آن را برای آتش‌افروزی به شهر می‌آورد، آنگاه جوانان به در خانه داماد برای گرفتن هدیه می‌روند و اشعار هیرومبا را می‌خوانند. همچنین، داماد و صاحب تازه‌فرزند تبیه آیینی می‌شوند. ضمن آنکه اشعار هیرومبا نیز به نماد آیین عروسی، یعنی اسب کمر زرین و فراوانی غلات در انبار همه مردم اشاره دارد.

در هوربایا و انواع مشابه آن نیز خانواده و نوزاد تازه متولدشده، محل توجه است.

در «المترانی» ساوه به در خانه‌های جوانانی که تازه عروسی کرده‌اند و یا نامزد دارند می‌روند. در استان بوشهر به در خانه‌هایی می‌روند که اولاد تازه متولدشده کمتر از یک سال دارند و همانند نوش‌آباد کاشان و روستای برز ابیانه نام بچه و ترجیحاً پسر خانه را می‌پرسند و برای او هومبaba می‌خوانند. در اشعاری که در این آیین‌ها خوانده می‌شود، توجه زیادی به تولد نوزاد و ازدواج است. در خوزستان، خراسان، ساوه، جوشقان قالی کاشان و ابیانه نظر نیز چنین رویکردی دیده می‌شود.

۷ - ۵. کودکان، محور آیین

آیین‌گزاران جشن هیرومبا و بهطور عمده هوربایا و مشابه‌های آن، کودکان هستند. هم در شریف‌آباد و هم در نوش‌آباد و مناطق دیگر به‌طور عمده کودکان و نوجوانان محور آیین هستند. می‌دانیم که در آیین‌های برکت‌بخشی و طلب باران، کودکان نقش مهمی دارند. ممکن است در اینجا نیز جمع کودکان و نوجوانان که گرد هم آمده و در هر خانه‌ای چیزی از باب نذر طلب می‌کنند، منطق حاجت‌خواهی و برکت‌بخشی داشته باشد. درواقع، کنش آیینی کودکان معصوم و حاجت‌خواهی آنان که در این دو آیین حضور دارند، هویت کودکانه چشمگیری به آیین‌ها داده است.

۷ - ۶. هدایا

مشابهت دیگر در نوع هدایای این دو آیین است. در هیرومبا کدبانوی خانه بشقابی از آجیل شامل نخودچی، کشمش، پسته، مغز بادام و مانند آن به بچه‌ها می‌دهد. هدایای

هوریبا در گذشته بیشتر آجیل بوده است. اگرچه امروزه پول نقد به بچه‌ها می‌دهند؛ اما در گریگشوی بوشهر با تنقلات، آجیل و خشکبار و گندم برشه شده (در اصطلاح محلی «دنگ») از کودکان پذیرایی می‌کنند. در الله‌رمضونی یزد، صاحبخانه‌ها هدایایی از قبیل پول و یا خوردنی‌هایی مثل گردو، کشمش، خرما، بادام، قیسی، هلو و زردآلوخشکه به بچه‌ها می‌دهند. معمولاً در مناطقی که آجیل و خشکبار و شیرینی می‌دهند، دسته به همراه خود کیسه‌ای دارد تا هدایا را در آن ببریزند.

۷ - آتش

درست است که یکی از موضوعات مرکزی در آیین هیرومبا افروختن آتش است و ما امروزه با فقدان این عنصر در هوریبا روبه‌رو هستیم؛ اما نشانه‌هایی وجود دارد که در گذشته چنین رسمی وجود داشته است. یکی از این قراین همان شعر مشترک هیرومبا و هوریبا، یعنی «شاخ درمنه» است که مخصوص جمع آوری هیزم از منازل بوده و تا چند دهه پیش در آیین هوریبا در نوش آباد خوانده می‌شده است (وکیلیان، ۱۳۷۰: ۲۰۴). این شعر ممکن است مربوط به زمانی دور و یا نزدیک باشد که نشان‌دهنده نقش محوری آتش در آیین هوریباست.

نکته دیگر اشاره به خر (الاغ) در اشعار آیین‌های نیمه ماه رمضان است. در گند ب صندوق‌دار، «اشیک» می‌گویند. در المترانی ساوه نیز به خر اشاره شده است: «یک خرکی خریده‌ایم / دم و گوشش بربیده‌ایم / هر چه می‌زنیم راه نمی‌ره» (وکیلیان، ۱۳۷۰: ۲۱۰). در اشعار «الله‌رمضونی» یزد نیز به خر لنگ ماه رمضان اشاره شده است: «رمضون او مده از راه طبس / خر لنگ داره و سربارش عدس؛ رمضان او مده از راه سخود / خر لنگ داره سربارش نخود» (همان، ۲۱۱). اگرچه به نظر می‌رسد این امر صبغه طنز دارد؛ اما چون در چند مورد مشابه این واژه تکرار شده است، ممکن است به جنبه‌های دیرینه‌تر این آیین، یعنی زمان استفاده از الاغ برای حمل هیزم مربوط باشد.

همچنین، شاید مراسم آتش‌افروزی که در ۲۷ رمضان در روستای برز از توابع نظر برگزار می‌شود، بازمانده‌ای از جشن‌های آتش باشد. بدین ترتیب که جوانان دو محله قلعه سرده و قلعه پایین ده از مدت‌ها پیش مخفیانه هیزمی را در کنار قلعه محله رقیب

آماده می‌کردند و در روز ۲۷ رمضان آن را آتش می‌زدند. هر کس زودتر این کار را در محله دیگری انجام می‌داد، پیروز مسابقه بود و سبب سرافکندگی محله رقیب می‌شد (اعظم واقعی، ۱۳۸۵: ۳۵/۴).

۸. نتیجه

هوربaba و آیین‌های مشابه آن – که در نقاط مختلف ایران در نیمه ماه رمضان برگزار می‌شود، آیینی ایرانی است که به عناصر برکت‌بخش و تولید و حاصل‌خیزی توجه دارد. حضور محوری کودکان در این آیین که در آیین‌های برکت‌بخش دیگر مانند آیین‌های طلب باران نیز دیده می‌شود، نیز میین این امر است. تاکنون اطلاعاتی از چیستی این آیین در دست نبود؛ اما با توضیح و تبیین ویژگی‌های اساسی هوربaba و مقایسه عناصر مشترک آن با هیرومبا زرتشتی معلوم شد که این دو آیین منشأ مشترک دارند. این عناصر عبارتند از ساختار و شکل یکسان، مشابهت در نام، شباهت محتوایی اشعار، استفاده از اشعار یکسان، خانه‌های مورد مراجعه، محوریت کودکان و نوع هدایا. درواقع، هوربaba بازمانده‌ای از آیین زرتشتی هیرومباست که به اقتضای فرهنگ اسلامی تعدلیل و مختصر شده و یکی از محورهای مهم آن نیز، یعنی افروختن آتش، به فراخور آموزه‌های دین جدید به فراموشی مپرده شده است.

از طرفی بنا بر نظر محققان، هیرومبا همان جشن سده است که بین زرتشتیان یزد برگزار می‌شود که این هر دو جشن آتش‌افروزی برای گرم‌کردن زمین جهت بازگشت رپیشوین ایزد نیم‌روزی است که بنا بر اساطیر زرتشتی در پنج ماه سرد سال به زیرزمین می‌رود تا ریشه‌های درختان را گرم نگه دارد و در هنگام بهار نیز به روی زمین می‌آید. با این اوصاف به نظر می‌رسد آیین هیرومبا که هنوز در خیلی از نقاط ایران برگزار می‌شود، بازمانده جشنی چندهزارساله است که به مرور زمان کوچک و مهجور شده است؛ اما هنوز بازتابی زنده از فرهنگ ایرانی - زرتشتی در صورتی ایرانی - اسلامی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. نگارنده به اقتضای سن از حدود سال ۱۳۵۵ به هوریباپی می‌رفتم؛ ابتدا همراه برادر بزرگتر و سپس از حدود سال ۱۳۵۹ با همسن‌و سال‌های خودم
۲. موضوع اشعاری که در یزد خوانده می‌شود، در اشاره به ماه رمضان است که با خر لنگ خود عدس و نخود و کاهو آورده است. (وکیلیان، ۱۳۷۰: ۲۱۳ و ۲۴۱).
۳. این خانه از کیست که به سمت باد قرار دارد.
۴. ضخیم، ده شاهی.
۵. رمضان آمده میهمانش کنید گاو و گوساله را قربانش کنید، رمضان خدا، رمضان خوب و خوش نام خدا را میهمان کنید.
۶. از مالتان به من بدھید/ بدھید خدا به شما می‌دهد.
۷. قرقیغان و قرقیغان بین شعبان و رمضان/ حق خداوند را بدھید خداوند از شما راضی باشد/ به ما عیدی بدھید که خدا عیدی سفر مکه به شما بدھد -
۸. آمدیم و آمدیم/ در کیسه را بازکن و به ما عیدی و شیرینی بده
۹. ای افرادی که بالای پشت‌بام ایستاده‌اید، به ما عیدی می‌دهید یا برویم؟
۱۰. گرگیغان و گرگیغان خداوند به شما بچه عطا کند
۱۱. هیرومبا از ۲۰ سال گذشته تاکنون دگرگون شده، وانت‌ها جایگزین الاغ‌ها شده‌اند و دیگر بیشتر مردم با اتومبیل به پیر می‌روند تا بالاغ و پای پیاده؛ اما هنوز هم از الاغ استفاده می‌شود.
۱۲. در جشن سده هم رسم آوردن هیزم معمول بوده است، چنان‌که روستانشیان خراسان در شب‌های یازدهم تا سیزدهم بهمن‌ماه به مناسبت فرا رسیدن جشن سده به شادی و رامش می‌پرداخته‌اند. چند روزی پیش از فرارسیدن جشن، روستانشیان از خرد و کلان به کوه و صحراء می‌روند. پیشه‌هایی از خار را جمع‌آوری می‌کردند و به وسیله چهارپایان و یا بر پشت خود حمل می‌کنند و به روستاها می‌رسانند. غروب روز دهم بهمن، ساکنان هر روستا بر بلندترین بام خانه‌های خود می‌روند و بوته‌های صحرایی را به شیوه خاصی روی هم می‌چینند (رضی، ۱۳۸۰: ۶۱۷ - ۶۱۸).
۱۳. اتاق‌های مخصوص زوار زیارتگاه.
۱۴. sirug نوعی نان روغنی.
۱۵. صباحانه.
۱۶. مسیر مسیر باد باشد/ اسب تازی کمزین باشد/ گندم به انبار شما و ما باشد/ گندم و پنبه و روناس و جو.
۱۷. درن دز ارمنیان جشنی مشابه جشن سده و هیرومبا. «درن دز»، «دیراندرس»، «دیارند آراج» یا «تیانتاراج»، یکی از جشن‌های ارامنه است که طی آن همچون جشن سده آتش‌افروزی می‌کنند. طی این جشن خرمن‌های آتش می‌افروزنند و نوعروسان و تازه‌دامادها از روی آن می‌پرند. این مراسم

که در چهاردهم فوریه (حدود ۲۵ بهمن ماه) انجام می‌شود، جنبه مذهبی و ملی دارد و همانند چهارشنبه‌سوری است؛ اما از لحاظ زمان، به جشن سده نزدیک است. باحتمال این جشن از رسومی است که در برخورد با ایرانیان، میان ارامنه باقی مانده است (رضی، ۱۳۸۰؛ قس، ۱۳۸۰؛ هویان، ۱۳۸۰: ۱۶۳).

درین دُز مرکب از دو کلمه، «در der» به معنای بدء، پیر، پرواز کن، جهش کن و «اند دز end dez» به معنی از روی آتش و بر روی شعله است. اغلب ارمنیان جهان، اقدام به برگزاری این جشن می‌کنند و آن را متعلق به چهلمین روز تولد عیسی مسیح می‌دانند. در این جشن مجرمی بزرگ از آتش در کلیسا می‌گذارند به گرد آن پای کوبی و شادمانی می‌کنند و هنگام رفتن به خانه هر یک چوبی یا شمعی را با آن آتش افروخته همراه می‌برند و می‌کوشند که آن آتش خاموش نشود و با آن آتش خانوادگی ترتیب داده از روی آن می‌پرند و در حال خواندن سرودها و ترانه، به گرد آن می‌گردند. در روتاستها، این مراسم با بازی‌های رزمی - ورزشی، چون تیراندازی نیز همراه است (رضی، ۱۳۸۰: ۵۹۷).

همچنین، در روتاستای فریدن، صبح روز سیزدهم فوریه، جوانان به صحراء می‌رفتند و مقدار زیادی بوته می‌آورdenد و در حیاط کلیسا می‌انباشتند. بعد از ظهر آن روز نو عروسان و تازه‌دامادها در معیت فامیل، طی مراسمی خاص، به برگزاری جشن دیارند آراج می‌پرداختند (هویان، ۱۳۸۶: ۳۸). رضی این آیین را قابل مقایسه با جشن سده و آتش‌افروزی زرتشیان، و ایام پنج‌روزه آن را شبیه به ایام گاهنبار می‌داند (رضی، ۱۳۸۰: ۵۹۷). این جشن، باشکوه فراوان در همه نقاط ارمنستان برپا می‌شود. بدین ترتیب که در حیاط کلیسا هیزم را به آتش می‌کشند و مردان تازه ازدواج کرده گرد آتش جمع می‌شوند، در حالی که هر کدام باید یک شمع روشن در دست داشته باشند. در این روز جوانان دختر و پسر از روی آتش می‌پرند. در این روز گندم برشه، کشمکش و انواع شیرینی‌خورده می‌شود (آیوازیان، ۱۳۹۱: ۹۵).

این جشن با جشن سده و بهویژه هیرومبا شباهت زیاد دارد. آتش‌افروزی به منزله محور آیین، ارتباط این جشن با تازه‌دامادها و تازه‌عروسان، رفتن دسته‌جمعی به در خانه اهالی، پذیرایی از دسته از سوی صاحبخانه و خوردنی‌هایی مانند گندم برشه و کشمکش و انواع شیرینی‌ها عناصری است که امروزه در جشن هیرومبا نیز مشاهده می‌شود.

منابع

- آیوازیان، کاریا (ترزیان) (۱۳۹۱). اشتراکات اساطیری و باورها در منابع ایرانی و ارمنی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- احمدی، قاسم (۱۳۹۴). «گرگشو؛ آیین و همایشی بزرگ با مقبولیت اجتماعی بالا در بین مردم جنوب+گرگشو در کنگان». پایگاه خبری ثالث، <http://salas.ir>

- اخوان، مرتضی (۱۳۷۳). آداب و سنت اجتماعی فین کاشان. کاشان: مؤلف.
- اعظم واقفی، سیدحسین (۱۳۸۵). میراث فرهنگی نظر (جلد ۴). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۲) رساله در تاریخ ادیان. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- باقرزاده، زهرا (۱۳۹۰). مردم‌شناسی تحریر. کاشان: همگام با هستی.
- بویس، مری (۱۳۹۳). «پیشوین، نوروز و جشن سده». ترجمه حمید رضا نیک‌روش. بهارستان / ایران. ش. ۲. صص ۱۷ - ۳۰.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۶). جستاری چند در فرهنگ ایران. تهران: آگه.
- بیرونی، ابوالیحان محمد بن احمد (۱۳۸۹). آثار الباقیه. ترجمه اکبر دانسرشت. تهران: امیرکبیر.

(۱۳۵۳) التفہیم. تصحیح و تعلیق جلال الدین همایی. تهران: انجمن آثار ملی.

- راشکی قلعه‌نو، علیرضا (۱۳۹۴). «نگاهی به آداب و رسوم مردم سیستان در ماه مبارک رمضان». پایگاه اینترنتی سازمان تبلیغات اسلامی، <http://ido.ir>.
 - رضی، هاشم (۱۳۸۰). پژوهشی در گامشماری و جشن‌های ایران باستان. تهران: بهجت.
 - روایت پهلوی (۱۳۶۷). ترجمه مهشید میرفخرایی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
 - زادسپر (۱۳۶۶). گزیده‌های زاد سپر. ترجمه محمدتقی راشد محصل. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
 - زرگری، رحمت‌الله (۱۳۷۴). تاریخ، فرهنگ و هنر جوشقان قالی. تهران: معینیان.
 - صد در شر و صد در بندش (۱۹۰۹). به اهتمام جیوانجی جمشید جی مؤذی. هند: بمیئی فرنیغ دادگی (۱۳۷۸). بندش. گزارش مهرداد بهار. تهران: توس.
 - فریزر، جیمز جرج (۱۳۸۶). شاخه زرین. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: آگاه.
 - مزدآپور، کتابیون (۱۳۸۳). «تداوم آداب کهن در رسماهای معاصر زرتشیان در ایران». فرهنگ.
- د. ۱. ش. ۴۹ و ۵۰. صص ۱۴۷ - ۱۷۹
- گشتاسب، فرزانه (۱۳۹۰). «گاه رپیتوین، زمان آرمانی در دین مزدیسنی». زبان‌شناسخت. د. ۲. ش. ۲. صص ۲۵ - ۳۷

- مشهدی نوش آبادی، محمد (۱۳۷۸). نوش آباد در آیینه تاریخ، آثار تاریخی و فرهنگ. کاشان: مرسل.
- نوری کجوریان، علیرضا (۱۳۸۹). «یا رمضان، واگویه‌های عامیانه ترکمن‌ها برای استمرار برکت». خبرگزاری مهر. www.mehrnews.com.
- نیازی، یاشار (۱۳۹۷). «آیین "یارمیان" سال ۹۷ در محلات ترکمن‌نشین گند کاووس». ترکمن نیوز. <http://turkmensnews.com>.
- نیازی، محسن (۱۳۸۷). مردم‌شناسی آران و بیدگل. تهران: ثامن‌الحجج، علم و دانش.
- نیکنام، کورش (۱۳۸۲). از نوروز تا نوروز. تهران: فروهر.
- وکیلیان، احمد (۱۳۷۰). رمضان در فرهنگ مردم. تهران: سروش.
- هاشمی‌تبار، سید حسین (۱۳۷۵). تاریخ بیدگل. ج ۱. آباده: ارجمند.
- هویان، آندرانیک (۱۳۸۶). آیین‌ها و مراسم سنتی ارمنیان ایران. تهران: فضا.

Horbābā Ritual: The Ancient Hirombā and Sadeh Celebrations among Muslim Iranians

Mohammad Mashhadi Noush Abadi¹*

1. Assistant Professor, Kashan University.

Received: 28/08/2019

Accepted: 22/01/2020

Abstract

The midnight of Ramezan in Nooshabad brings a ritual in the name of Horbaba, in which children are gone to the homes and pray for a child of the homeowner through hymn, and then receive gifts. The sample of this ritual is seen in many regions and provinces of Iran including Turkmen desert, Yazd, Kerman, Sistan, Bushehr, and Khuzestan. On the other side, a three-day joint celebration called Hirombā is held by Zoroastrians in which they collect firewood, set fire, read hymns with children and adolescents at the homes of residents, and then receive edible gifts. Hirombā has a significant similarity with Horbaba, in terms of the name, general structure, lyrics, content, and a blessing of children's focus. The fire which is common in the poem of Hirombā is also common in Horbaba. It seems that Horbaba's ritual, which is still held in many parts of Iran, is the remnant of the ancient Hirombā and Sadeh, and although it has become small and time-lapsed, it has been preserved through an Islamic structure. Researchers view Hirombā the same as Sadeh celebration. They associate the ritual with the sun and Yazata Rapithwin. This paper, based on the field studies and document analysis, aims to introduce Horbaba and its other examples in Iran and focus on its common elements with Zoroastrian Hirombā rituals and their mythical origins.

Keywords: Zoroastrian rituals; Horbaba; Hiromba; Sadeh; Noush Abad..

*Corresponding Author's E-mail: mmn5135@kashanu.ac.ir

